

کلیاتی در مورد رشته حقوق

سید حسن مژگانی

هدف

تربیت کارشناسانی است که بتوانند در مشاغل چون قضاوت، وکالت، سردفتری اسناد رسمی و کارشناسی حقوق انجام وظیفه نمایند.

تمام روابط اجتماعی که آثار حقوقی از آن ایجاد می‌شود، موضوع علم حقوق قرار می‌گیرد. حال این روابط می‌تواند مربوط به روابط دولت و مردم باشد که به حقوق عمومی معروف است و یا شامل روابط خصوصی مردم گردد که حقوق خصوصی نامیده می‌شود. به عبارت دیگر حقوق عمومی شامل حقوق قوای سه‌گانه کشور، حاکمیت و آنچه که مربوط به اداره کشور است، می‌شود و حقوق خصوصی به روابط بین خود مردم می‌پردازد که مهمترین آنها روابط تجاری است که عامل ایجاد رشته حقوق تجارت شده است و یا مسائل مربوط به حقوق مدنی است که از آن جمله می‌توان به اموال، مالکیت، قراردادها، مسوولیت‌هایی که اشخاص در خطاهایی که مرتکب می‌شوند برایشان به وجود می‌آید مثل مسوولیت ناشی از حوادث، قواعد مربوط به ارث، وصیت، ولادت، اقامتگاه اشخاص و دهها مورد دیگر.

ماهیت

دانشجویان مقطع لیسانس حقوق در ابتدا مقدمه‌ای از علم حقوق می‌خوانند تا با کلیات علم حقوق و مبانی نظری و فلسفی این علم آشنا شوند و سپس با دو بخش اصلی علم حقوق یعنی حقوق عمومی و حقوق خصوصی که هر یک دارای دو شاخه حقوق داخلی و بین‌المللی است، آشنا شده و دروسی را در این زمینه مطالعه می‌کنند. برای مثال مباحث قراردادها، روابط اشخاص و معامله‌ها را در زیر مجموعه حقوق خصوصی داخلی، مباحث مربوط به مجازات‌ها، جرایم و محاکمات کیفری را در بخش حقوقی عمومی، مباحث مربوط به سازمانهای بین‌المللی، روابط دولتها با یکدیگر و روابط دولتها با سازمانهای بین‌المللی و برعکس را در بخش حقوق عمومی بین‌الملل و بالاخره مباحث مربوط به معاملات و روابط خصوصی خارجی اشخاص که یک عنصر بین‌المللی در آن وجود دارد را در بخش حقوق خصوصی بین‌المللی مطالعه می‌کنند. یعنی در برنامه دوره لیسانس کم و بیش مجموعه‌ای از همه مطالب گفته می‌شود.

از همین توضیح مختصر می‌توان متوجه شد که امروزه قلمرو علم حقوق بسیار وسعت یافته است به طوری که هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند که بر همه شاخه‌های این علم احاطه دارد و به قول ریپر حقوقدان فقید فرانسوی: یک حقوقدان در مدت عمر خویش نمی‌تواند حتی برای یک‌بار تمام کتاب‌های تخصصی رشته خود را بخواند.

دولت به عنوان نماینده سیاسی و حقوقی جامعه برای خود منافع ملی و یا تمامیت ارضی دارد که البته این منافع از منافع افراد جدا نیست بنابراین افراد در ارتباطشان با دولت باید نسبت به این حقوق آگاه باشند و روابطشان با دولت بر اساس این منافع باشد و البته دولت هم نسبت به شهروندان تکالیفی دارد و باید حقوق آنها را به رسمیت بشناسد. همان حقوق و آزادی‌هایی که در قانون اساسی به عنوان منشور ملی تعریف شده است و در قلمرو حقوق عمومی قرار می‌گیرد.

توانایی‌های مورد نیاز و قابل توصیه :

تسلط به زبان انگلیسی یا فرانسه، توانایی استفاده از کتب فقهی، قدرت استنباط بالا، آشنایی کامل با ادبیات زبان فارسی، منطق، عربی و جامعه‌شناسی از ملزومات این رشته است.

جسارت، قدرت استدلال، خلاقیت ذهنی و فن بیان خوب لازمه موفقیت در این رشته است. در کل باید گفت که نحوه استدلال و فن بیان، ابزار کار یک حقوقدان است.

یک دانشجوی حقوق باید شیفته و عاشق این رشته باشد یعنی اگر هدفش این است که به وسیله رشته حقوق امرار معاش کند مطمئناً حقوقدان موفق نخواهد شد.

ممکن است که به دست آوردن لیسانس حقوق کار دشواری نباشد اما حقوقدان شدن بسیار مشکل است. چرا که علم حقوق امروزه با جامعه‌شناسی، روانشناسی و علوم فلسفی آمیخته شده است و یک حقوقدان باید از این علوم اطلاعات کافی داشته باشد. همچنین یک دانشجوی حقوق برای این که در رشته خود موفق گردد لازم است که به زبان و ادبیات فارسی مسلط باشد چون منطق حقوق در ضمن این که شباهت‌های زیادی به منطق ریاضی دارد، یک منطق اقلی و خطابی است. یعنی یک حقوقدان باید بتواند کسانی را که مورد خطاب او قرار می‌گیرند و یا دادگاهی را که مامور رسیدگی به دعواست، با زبان سلیس و بلیغ قانع کند، در نتیجه باید به زبان و ادبیات مسلط باشد. در ضمن باید اطلاعاتی از ریاضیات داشته باشد زیرا هم محاسبات حقوقی گاهی احتیاج به ریاضی دارد و هم منطق ریاضی، منطق اساس حقوق است و افراد باید بدانند که به چه ترتیب از قوانین استنباط کنند چون حقوق زمانی اهمیت پیدا می‌کند که قانون در مورد مشکل مورد نظر، حکمی نداده است و باید حقوقدان از مسائل موجود، احکامی را که در قانون وجود ندارد، استنباط کند.

اهمیت این مساله زمانی بیشتر روشن می‌گردد که بدانیم یک قاعده ممکن است در دو زمان مختلف دو معنی متفاوت داشته باشد و یا از یک متن واحد، دو نسل مختلف امکان دارد برداشتی متفاوت داشته باشند. برای مثال در قانون مدنی داریم که زن و شوهر باید با یکدیگر حسن معاشرت داشته باشند. ولی معنی حسن معاشرت در ۵۰ سال پیش با امروز متفاوت است و یا معنی حسن معاشرت در شهرها با همین ترکیب در روستاها فرق دارد و این کار حقوقدان است که با توجه به موقعیت زمان و مکان برداشت درست و صحیحی از عبارتهای موجود در قانون داشته باشد.

به عبارت دیگر نباید تصور کرد که همه چیز در قوانین خلاصه می‌شود و کسی که قوانین را بداند، حقوقدان است. بلکه نقش مهم حقوقدان در به کار بردن فنون و هنرهای خاصی است که باید آنها را بیاموزد و برای به دست آوردن قواعدی که در متون قوانین نیامده است، از آنها استفاده کند.

دانشجوی علاقمند به رشته حقوق باید نه تنها با زبان فارسی بلکه با ادبیات فارسی و حتی با دیوانهای شعرای بزرگ ایران آشنا باشد چون سخنوری و همچنین قدرت قلم و نویسندگی از فضایل یک حقوقدان است و یک حقوقدان باید با تکیه بر قلم و یا سخن، نظریه و یا تفکر حقوقی خود را نشر دهد. همچنین با این دو حربه می‌تواند در مقام دفاع از مظلومی برآمده و با تعبیرات و جملات شیوا، دلنشین و تاثیرگذار سخن خود را به کرسی بنشانند. همچنین برای آن که بتواند لایحه‌ای را بنویسد باید سخن او همراه با دلیل و برهان باشد. به همین دلیل لازم است که با منطق آشنا باشد.

موسسه حقوقی آوای عدالت سروش